

جناب تیر و سینا علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای تیر افق ذکر و ثنا و ای سینا منور بشعله هدی این چه نغمه جانسوز بود که در قلوب آتش افروخت و این چه ناله نیران افروز بود که دل‌های یاران بسوخت از استماعش اهل ملاً اعلی بنوحه و ندبه برخاستند و از تأثیراتش اهل سرادق قدس بناله و مویه و گریه دمساز گشتند و با چشمی اشکبار و آهی آتشبار فریاد و فغان آغاز نمودند چه که آن دو مظلوم در دست ستمکار جهول و ظلم افتادند و چنان اذیت و جفائی نمود که از بدو امر تا بحال هیچ ظالم درنده‌ئی و هیچ مار گزنده‌ئی و گرک تیزچنگی و خونخوار بی نام و ننگی چنین درندگی و خونخوارگی نموده یزید پلید و ولید عنید هر دو چون درندگان خونخواران و چون کلاب حقود سید وجود و مظاهر الطاف ربّ ودود را دریدند و آن حنجر مبارک را بنخجر ظلم و اعتساف بریدند ولی چنین ستمی روا نداشتند که طفل دوازده‌ساله را با آن صباحت و ملاححت و بلاغت و فصاحت و روی روشن و نطقی چون عندلیب گلشن چنان مفقود و نابود نمایند که اثری باقی نماند باری مظلومیت آن پدر بزرگوار و معذوریت این پسر معصوم جان‌نثار بدرجه‌ئی واقع که در صحائف قرون و اعصار مثل و شبهش مذکور نه و این قربان در ملکوت ابهی بغایت مقبول و محبوب و پرپها قسم بجمال مقصود و حضرت ملیک محمود که جواهر وجود در غیب امکان بحیرت نگراند و بمنت‌های غبطه آرزوی این احسان مینمایند پس ای دو بلبل گویای گلشن توحید و ای دو مرغ خوش‌سخن گلبن تجرید ممنون و خوشنود شوید که در ماتم این دو کوکب نورانی افق تفرید چنین مرثیه‌ئی انشاء و انشاد نمودید فی‌الحقیقه از ابداع مرثیست و افسح اشعار بلیغ و بدیع و سهل ممتنع و در محل و موقع واقع طوبی لکم و بشری لکم و خراج ربکم خیر لکم من کلّ اجر و جائزه این منظومه در ملکوت ابهی معلوم گردد ع ع